



یادداشت اول

مبعث  
مکارم اخلاق

با مسوولیت سر دیر

سه شنبه مبعث فرخنده پیامبر مکرم اسلام (ص) است. ضمن تبریک این روز گرامی باید بگوییم مبعث سرچشمه‌ای است که امروز میلیون‌ها انسان از آن می‌نوشند و به رستگاری در دنیا و آخرت امیدوارند. بر خلاف آنچه بسیاری بر آن اصرار دارند ادیان توحیلی و به گونه‌ای مشخص اسلام تنها مجموعه‌ای از احکام فقهی نیست، هر چند بخشی از آن ادیان الهی بالطبع در چارچوب احکام تعریف می‌شوند اما آنچه کمتر به آن توجه شده است اتفاقاً بخش بنیادین ادیان الهی است و آن عبارت است از مجموعه‌ای از اخلاقیات و معارف که می‌توان از آنها در مسیر تربیت انسان بهره برد برای نمونه یکی از سخنان ارزشمندی که همه‌ی مذاهب و نحله‌های اسلامی پس از پیامبر اکرم (ص) به صحت آن باور دارند حدیث معروف انبی بعث لائمم مکارم الاخلاق است، حدیثی که می‌توان آن را یک معیار برای زندگی انسانی و اسلامی دانست. به این خاطر به نظر می‌آید باید متون مقدس از جمله قرآن کریم و یا سیره پیامبر اکرم (ص) را با نگاهی اخلاقی باز خوانی کنیم نمونه دیگری از آموزش‌های اخلاقی قرآن کریم را می‌توان در سوره اعراف دید آنجا که قرآن کریم می‌فرماید: خذالعفو و امر بالعرف و اعرض عن الجاهلین (۱۹۹) ببخشش، به نیکی امر کن و از نادانان دوری گزین، دقیقاً در حال آموزش روشی برای زندگی اجتماعی است و چنانچه شهروندان به همین چند کلمه اخلاقی عمل کنند و یا به آن توجه داشته باشند بسیاری از مصایب و مشکلات آنها بر طرف می‌شود و یا آنجا که در سوره انفال امر به رفتار عاقلانه می‌کند و می‌فرماید: ان شرالذوالب عتاله الصم بکم الذین لایعقلون قطعاً بدترین جنبندگان نزد خدا، کران و لالایی هستند که تعقل نمی‌کنند و عقل وزی را معیاری برای زندگی بر می‌شمارد و آنها که تعقل نمی‌کنند را هم ردیف جنبندگان بی عقل می‌پندارد. نیلای امروز با ابعادش همواره نیازمند معنوتی غیر ایدئولوژیک خواهد بود معنوتی که انسان‌ها به آن محتاج هستند و می‌توانند با آن آرامش پیدا کنند و این معنوت جز در سایه زندگی اخلاقی میسر نخواهد شد که فرمود: بر دیگران ببخش، به نیکی امر کن و از نادانان دوری گزین همین شش کلمه برای رستگاری نوع انسان کفایت می‌کند اگر اهل شعور باشیم.

تحویلی چشمگیر در هنر و فرهنگ  
با ۶ طرح شاخص



۳

مبعث حضرت رسول (ص)  
تبریک و تهنیت باد

دولت چهاردهم حامی تعاونی‌های  
مرزنشین است



۳

ویژه

مختار رنجیده یامچی



۵ و ۴

# کاشمش

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

دوشنبه ۸ بهمن ماه ۱۴۰۳ / سال بیست و ششم / شماره ۲۹۲۰ / صفحه ۲۵۰۰ / تومان



بازار گرگان جادوی  
رنگ‌ها و طعم‌ها



۱۷ هزار تن سبزی و صیفی  
در گلخانه‌ها تولید شد



گلستان آماده میزبانی از  
جشن‌های انقلاب اسلامی



# خانه صلح



می‌گویند: هدف پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی با ابزار آموزش است و آموزش از طریق تسهیل‌گری صورت می‌گیرد. تسهیل‌گری به معنای تسهیل کردن فرایند یادگیری برای بچه‌ها و نه مداخله کردن یا معلم بودن. تلاش مجموعه این است که تسهیل‌گری را از طریق بازی، ایفای نقش، درست کردن کار دستی و این قبیل فعالیت‌ها که باب میل کودکان است انجام دهد. این جلسات کاملاً گفت‌وگو محورند. یعنی معلم کلاس درست و غلط را تعیین نمی‌کند. بلکه برای رسیدن به یک گزینه مثل فایده‌مند بودن دوستی، همه با هم صحبت می‌کنند تا به نتیجه برسند. کار خانه صلح با هوش هیجانی شروع شد. در آغاز ۱۵ فاکتور از آن آموزش داده می‌شد. اما در حال حاضر این عدد به بالای ۲۰ رسانده شده است. نکته مهم این که پروتکل‌های آموزشی توسط خود بچه‌های تیم نوشته شده است.

شرایط خاص استان گلستان و  
احساس مسوولیت

وی درباره وضعیت گلستان در آسیب‌های اجتماعی می‌گویند: یک سرچ ساده گوگل به شما خواهد گفت که استان گلستان جزو پرخطرترین استان‌های کشور است. و به تعبیر یکی از اساتید استان گلستان رتبه اول پرخطرگری در کشور است. باید در نظر گرفت که یک شخص پرخطرگر بر اساس احساساتی چون خشم، ترس و نفرت بدون اینکه لحظه‌ای فکر کند، دست به رفتار می‌زند.

هدف خانه صلح

طالبی درباره هدف مجموعه خانه صلح

مریم قرآنی- انسان‌ها همواره نیازمند آموزش هستند و کودکان و نوجوانان از آنجا که در حال یادگیری و ارتقایند به آموزش بیشتری نیازمندند، کودکان و نوجوانان اگر چه در همه دوره‌ها نیازمند آموزش و تربیت هستند اما در دنیای دیجیتال قطعاً این نیاز بیشتر و پر اهمیت تر است به این خاطر در این شماره روزنامه به یکی از نهادهای مدنی که اساس کار خود را بر تربیت کودکان و نوجوانان استوار کرده است، رفته ایم.

صنم طالبی، کارشناس ارشد روان‌شناسی به طور تخصصی در حوزه کودک و نوجوان کار می‌کند، روزی که پایان‌نامه دانشگاهی اش را درباره بازی‌درمانی می‌نوشت رویایی را نیز در سر می‌پروراند. هدفش از پژوهش این بود که ببیند مشخصاً بازی چه تأثیری در فرایند روانی یک کودک دارد. به طور شگفت‌انگیزی بعد از ۸ جلسه که با کودکان کار بازی‌درمانی می‌کرد، متوجه کاهش علائم افسردگی در آن‌ها شد. از این رو، در این مسیر قرار گرفت که با بازی و به صورت غیر مستقیم، مفاهیم مهم زندگی را به بچه‌ها آموزش دهد. مدت‌ها نیز مشاور مدرسه بود، در مدارس حاشیه شهر کار می‌کرد و همانجا رویایش را عملی کرد و همراهانش را که تا امروز یاریگرش در خانه صلح هستند را پیدا کرد و کم‌کم به هدفی والا تر رسید که چگونه می‌توان در زندگی کودکان تغییری ایجاد کرد. متوجه شد که اگر تا ابد به عنوان یک روان‌شناس شاغل در کلینیک‌های مشاوره یا مدرسه به بچه‌ها مشاوره دهد، آن قدری اثرگذار نخواهد بود تا اینکه بخواهد روی پیشگیری از آسیب کار کند. چرا اگر خطی روی روان بیفتد، هرگز

از بین نخواهد رفت و تمام وقت و هزینه و انرژی را صرف کم‌رنگ کردن آن خواهد کرد. در نهایت به این نتیجه رسید که فضایی را فراهم کند که شبیه مدرسه نباشد و چه بسا با آن بسیار متفاوت باشد. به طوری که بچه‌ها تفاوت فضاها را درک کنند. از همین رو خانه صلح را در سال ۱۳۹۶ از طریق مهدها و مدارس شروع کرد طالبی و دوستانش از این رو که قائل به کار مشارکتی و تیمی بود، وارد پروژه گرفتن مجوز NGO به عنوان یک سازمان مردم‌نهاد شد. به طوری که از مردم برای مردم فعالیت صورت بگیرد و تمام تصمیم‌ها و فعالیت‌هایش گروهی انجام شود. همچنین هدف مالی هم اولویت نباشد تا صرفاً بر اساس رسالت و الایشان



## ادامه تیر اول

هستند. در چنین مواردی، برای این افراد جلسات مخصوص زوجین برگزار می‌شود. با حل مشکلات زوجین، آمار طلاق نیز کاهش خواهد یافت.

## جامعه و لزوم آموزش مهارت‌های زندگی

متأسفانه شرایط طوری است که حتی اگر خانواده‌هایی که به آموزش مهارت‌های روان‌شناسی فرزندشان بها می‌دهند نیز با مشکلات مالی روبه‌رو شوند، اولین چیزی که از سبد خریدشان حذف می‌شود، همین مهارت‌های روان‌شناسی است. برخی می‌گویند که توانایی خرید لباس و کیف مدرسه فرزندشان را ندارند. برخی هم شاید توانایی مالی را داشته باشند. اما ترجیحشان بر این است که فرزندشان را به کلاس زبان یا موسیقی بفرستند. متأسفانه درکی از این ندارند که بچه‌ای ممکن است موزیسین خوبی باشد یا به خوبی انگلیسی صحبت کند، اما نشخوار فکری یا اضطراب داشته باشد. آن زمان سراغ روان‌شناس می‌روند تا با پرداخت هزینه‌های گزاف آن خطی که بر روان فرزندشان افتاده را کم‌رنگ کنند.

## خانه صلح و بزرگترین مشکل

طالبی درباره مشکلات هم می‌گوید: خانه صلح نیز در اوایل جوانی‌اش مانند همه جوان‌ها با مشکل مالی روبه‌روست. هزینه اجاره مکان به تنهایی ۴۰ میلیون تومان است. یکی از اساتید اعتقاد داشت که هر سیستم آموزشی‌ای که سرپا می‌ماند، نگاه خداوند پشت سرش است. در غیر این صورت، این سیستم‌ها از این رو که انتفاعی نیستند، نابود خواهند شد. اما سیستمی مثل خانه صلح زمان کرونا نیز دوام آورد. پس اول از همه نگاه خداوند پشت مجموعه است، دوم اینکه مشتریان وفاداری دارد، سوم اینکه حداقل دستمزد را پرداخت می‌کند. اما باید در نظر گرفت که مجموعه و همکاران تا حد مشخصی می‌توانند بدین شکل ادامه دهند. در واقع زندگی اجازه بیش از آن را نمی‌دهد. به همین خاطر، به سرمایه‌گذار نیاز دارند. در حال حاضر قدری اعتبار است که بخوانند از خانواده‌ها به جای ماهیانه ۳۰۰ هزار تومان، ۱ میلیون تومان دریافت کنند. اما ممکن است برخی خانواده‌ها از پس این افزایش نرخ برنیاوند و بچه‌ای از کلاس محروم شود. خانه صلح در شرایط کنونی لب مرز قرار دارد. اگر چالشی ایجاد شود یا ۲ نفر از مربیان اعلام کنند که تمایلی به ادامه همکاری با این شرایط را ندارند، دچار بحران می‌شوند. از این رو، به دنبال جذب منابع برای ادامه زیستشان هستند تا مجبور به گرفتن پول از خانواده‌ها نشوند. متأسفانه اگر کمک‌های مالی وجود نداشته باشد، پروژه‌هایی مثل خانه صلح در درازمدت از پا می‌افتند. در شرایط کنونی، بسیاری از بچه‌ها را به صورت رایگان یا با رقم‌های پایینی پذیرفته‌اند. در حال حاضر، تربیت نیروی کار از دغدغه‌های بانیان خانه صلح است. اینکه هزینه سنگینی که باید برای مکان پرداخته شود را خرج نیروی کار می‌کنند تا نیروی شان چشم‌انداز کاری خوبی داشته باشد. چرا که به طور مثال، اگر ۱ سال آموزش ببیند و ۳ سال هم تجربه کسب کند، در صورت نداشتن چشم‌اندازی کاری، بیزنس خودش را راه می‌اندازد. عموم کسانی که از خانه صلح جدا شدند، دلیل‌شان نداشتن همین چشم‌انداز کاری بوده. چرا که نمی‌توانستند بیش از حد از خود گذشتگی کنند.

## چشم‌انداز آینده خانه صلح

چشم‌انداز اصلی و درازمدت حفظ بقای خانه صلح گرگان، افزایش دستمزد پرسنل و سپس رفتن به شهرهای دیگر و ایجاد خانه‌های صلح دیگر است. انتظار می‌رود به خانه صلح نه به عنوان



اینکه با همسن و سال یا جنس مقابلشان صحبت کنند، فراهم نیست. وقتی نتوانند در فضای واقعی ارتباط برقرار کنند، به فضای مجازی رجوع می‌کنند. این فضا بهترین محیط برای این است که خود واقعیشان را پنهان کنند. این کودک وقتی به ۳۰ سالگی برسد، حتی نمی‌تواند برای خانه نان بخرد. اینجاست که باید به فضاهای آموزشی، مخصوصاً آموزش‌های مهارت‌های روان‌شناسی به عنوان اورژانس اجتماعی نگاه کرد. باید نیازهای روانشناس حل شود. نه اینکه یک روانشناس دغدغه خرید یک کتاب ۴۰۰ هزار تومانی را داشته باشد. در مجموع به عنوان یک مادر که فرزند نوجوانش خود از آموزه‌های خانه صلح بهره برده است به مادران و پدران دغدغه مند توصیه می‌کنم که به جای چالش‌های غیر علمی و مساله دار با فرزندان در آستانه بلوغ و ناتوانی در حل آنها سری به خانه صلح بزنید تا بتوانید با روش‌های علمی رفتارهای خود و فرزندانتان را به سوی ادب و احترام متقابل هدایت کنید.

مدیر مسئول







## عوارض پروانه ساختمان و بازتاب های اقتصادی آن



محمد تافویسی

شهرداری‌ها در قوانین و مقررات جاریه کشور، شخصیت حقوقی حقوق عمومی هستند. از نظر سازمانی زیرنظر شورای شهر بوده و بنوعی بازوی اجرایی شورای شهر و شهرداری از یک منظر مدیرعامل شورای شهر و مجری دستورات آن. از لحاظ بودجه شهرداری‌ها واحدهای مستقل و خودکفا هستند و از محل عوارضی که قوانین و مقررات جاریه کشور و نیز شورای شهر برای آنها تعریف نموده درآمد نموده و بودجه خود را تامین می‌نمایند. عوارض کسب و کار، عوارض صدور پروانه ساختمانی عوارض بلیط حمل و نقل و صدور بارنامه و... منابع تامین درآمد شهرداری‌ها هستند. شهرداری‌های پویا با تنوع و تکثر بخشی به سبد منابع تامین درآمد و بودجه خود اقتصاد سازمانی و نیز اقتصاد شهرشان را شکل می‌بخشند. در صورتی که بعثت تنش‌های اقتصادی، اقتصاد شهر موجب توقف یکی از این منابع شد، تعدد منابع در این سبد، سبب خواهد شد که شهرداری با چالش تامین درآمد مواجه نشود. اینکه شهرداری درآمد خودش را تنها از طریق پروانه ساختمانی تدوین نکند بدترین شکل مدیریت خواهد بود! اینکاربین عوامل آن سازمان معروف به شهرفروشیست! اما چون شهرداری درآمد بی‌دغدغه و خوبی ازین محل کسب مینماید، شهرداری و کمیسیون ماده صد ناچاراً چشم خود را به روی تخلفات ساختمانی میندازد! داستان چیست؟

اگر سازنده هرچه بیشتر خلاف مجوز و پروانه بسازد برای شهرداری بهتر و زیرا درآمد بیشتری متوجه شهرداری می‌شود! ولی اگر شهرداری برای درآمدش تدبیر کرده باشد، و روی درآمد عوارض پروانه ساختمانی حساب ویژه باز نکرده باشد، در مواجهه با تخلفات ساختمانی آنها را قلع بنا میکند! و شهر شکل و شمایل خوبی پیدا میکند! توضیح بهتر اینکه، مثلاً سازنده خلاف پروانه پارکینگ ساختمان را تبدیل به مغازه یا واحده مسکونی کرده! در این حالت واحد یا واحدهایی بدون پارکینگ می‌شوند. مالک ناچاراً ماشینش را توی کوچه و خیابان پارک میکند. این درحالیست که خانه قبلی ویلایی و کوچک بوده و تعداد ماشین‌های آنها کمتر که در حیاط آن جامی شدند. اما اکنون ساختمان مرتفع شده و کوچه هم متناسب شرایط جدید نیست. تعداد ماشین‌ها هم افزایش یافته و ناچاراً به پارک در خیابان شده‌اند. مصداق بارز سخن ما کوی گرگانپارس است. کوچه و خیابان‌ها متناسب املاک تک واحدی ۵۰ سال پیش، ولی ساختمان‌ها مرتفع و تعداد ماشین‌های پارک شده در معابر چندین برابر، دوطرف خیابان مملو از ماشین‌های پارک شده و جوری که تنها یک ماشین قادر به تردد است. برای رفع مشکل بصورت فوری، خیابان‌ها را یکطرفه کرده‌اند. اگر خدای نکرده حادثه اورژانسی پیش بیاید و

شهروندان و سکنه محل نیاز به خدمات اورژانس، آتش نشانی، برق، گاز و... باشند، خودروهایی خدمات رسان در پشت ترافیک مسدود شهر متوقف خواهند شد و ارائه خدمات غیرممکن. عامل این پدیده شهرداریست که بخاطر منافع زودرس و سهل الوصول از مسئولیت و مأموریت اصلی خودش دور شده بلکه فرار کرده. البته این بخش اورژانسی کاربرد، اگر به این موضوع دقیقتر بشیم متوجه خواهیم شد که هزینه‌های پنهان تحمیلی بر اقتصاد شهر و شهروندان بسیار بیش از اینهاست. اگر در شهری فعالیت ساخت و ساز زیاد باشد، بودن، ترن آور و گردش مالی حاصل از آن به شهر و اقتصاد آن طراوت خواهد بخشید و همه شهروندان ازین رهگذر منتفع خواهند شد. اقتصاديون معتقدند صنعت ساختمان دارای ۷۰۰ زیرگروه است. پس با رونق بخشی به این صنعت، همه شهر منتفع خواهد شد. و با بی توجهی و پشت کردن به آن همه شهر به رکود کشیده خواهد شد. به زبان دیگر صنعت ساختمان موتور محرکه اقتصاد کشور است. حرکت یا توقف آن، متوجه تمام اقتصاد کشور می‌شود. افزایش عوارض ساختمان توسط شهرداری، خسارت بارتترین رفتار ممکن با شهروندان، شهر و اقتصاد شهر استان و کشور است.

کارشناس ارشد حقوق و کارشناس سابق وزارت کشور

# تحولی چشمگیر در هنر و فرهنگ با ۶ طرح شاخص



گذشته تنها ۱۸ اثر نمایشی در جشنواره تئاتر استانی شرکت داشتند، اما امسال این تعداد به ۴۷ گروه تئاتری افزایش یافت که از این میان، ۲۰ گروه به مرحله نهایی راه پیدا کردند. این موفقیت نشان‌دهنده رشد قابل توجه هنرهای نمایشی در استان است. متین از اجرای دو طرح قرآنی مهم با عناوین رویش در مکتب حاج قاسم و ستاره‌های درخشان خبر داد و گفت: این برنامه‌ها شامل تربیت مربیان و مدیران مؤسسات قرآنی و همچنین آموزش نخبگان نوجوان در حوزه قرآنت بود. اختتامیه این طرح‌ها نیز در دهه فجر برگزار می‌شود. همچنین، کرسی‌های تلاوت قرآن و افتتاح یک المان قرآنی در روستای دنگلان از دیگر برنامه‌های قرآنی است. وی در بخش دیگری از سخنان خود به تولید ۱۰ اثر نمایشی با موضوعات مرتبط با دهه فجر، دفاع مقدس و مسائل اجتماعی اشاره کرد و افزود: هفت اثر صحنه‌ای و سه اثر خیابانی در این طرح تولید شدند که بخشی از آنها مختص کودکان و نوجوانان هستند. این آثار در سطح استان به اجرا درخواهند آمد. متین همچنین از برگزاری نمایشگاه کتاب و عرضه محصولات فرهنگی خبر داد و گفت: این نمایشگاه با هدف ترویج فرهنگ مطالعه و آشنایی بیشتر مردم با آثار هنری و فرهنگی استان برگزار خواهد شد. مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان در پایان بر اهمیت زبان هنر تأکید کرد و گفت: هنر ابزاری بسیار تأثیرگذار، به‌ویژه در گروه سنی کودکان و نوجوانان است. ما با اجرای این برنامه‌ها تلاش داریم مفاهیم

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان با اشاره به اجرای ۶ طرح برجسته فرهنگی و هنری از رشد کم‌سابقه در عرصه تئاتر، موسیقی و برنامه‌های قرآنی در گلستان خبر داد. به گزارش روابط عمومی، الهام متین، در قرارگاه خبری ستاد دهه فجر با اشاره به آغاز فعالیت‌های گسترده فرهنگی از پایان سال ۱۴۰۲، گفت: ما در قالب ۲۳ جلسه تخصصی کارشناسی با حضور جمعی از مدیران و کارشناسان، ۶ طرح شاخص فرهنگی و هنری را طراحی و اجرا کردیم که هدف اصلی آنها، ارتقای هنر بومی و توسعه فعالیت‌های فرهنگی استان بوده است. متین نخستین طرح شاخص را پروژه زیست عقیقانه معرفی کرد و افزود: این طرح با محوریت طراحی لباس‌های بومی و بر اساس فرهنگ و اقلیم استان گلستان آغاز شد. اختتامیه این طرح با حضور بیش از ۵۰۰ طراح لباس در روز ۳۰ بهمن برگزار خواهد شد. همچنین در کنار این برنامه، یک همایش آموزشی ویژه طراحان لباس برگزار خواهد شد که شرکت‌کنندگان به‌صورت رایگان با اصول برندینگ و عرضه آثار آشنا می‌شوند. مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان در ادامه از اجرای طرح استعدادیابی موسیقی جوان خبر داد و گفت: این طرح با هدف تقویت موسیقی ردیف دستگاهی و گرامیداشت استاد حسین لطفی آغاز شد. اختتامیه این برنامه نیز در ۱۴ بهمن برگزار می‌شود. وی در بخش دیگری از سخنان خود به تحول چشمگیر در حوزه تئاتر استان اشاره کرد و افزود: در سال

اجتماعی، فرهنگی و انقلابی را به شیوه‌ای جذاب و ماندگار به نسل‌های جدید منتقل کنیم. متین با قدردانی از همکاری هنرمندان و فعالان فرهنگی، بر لزوم حمایت بیشتر از این قشر تأکید کرد و ابراز امیدواری کرد که این اقدامات گامی مؤثر در جهت اعتلای فرهنگ و هنر استان باشد.

مرزنشینان گلستان با اشاره به نقش و جایگاه ویژه تعاونی‌های مرزنشین در اقتصاد گلستان اظهار کرد: حمایت از تعاونی‌های مرزنشین یکی از برنامه‌های استانداری برای حمایت از اقتصاد و معیشت اقشار آسیب‌پذیر جامعه است. سرپرست معاونت هماهنگی امور اقتصادی استانداری گلستان با تأکید بر اینکه از همه ظرفیت‌های موجود استان در سطح ملی برای حل مشکلات تعاونی‌های مرزنشین استفاده خواهد کرد، افزود: حل مشکل تمدید کارت اعضای تعاونی‌ها، امکان واردات کالاها براساس شرایط استان و فراهم کردن شرایط صادرات کالا به سایر استان‌ها در راستای کمک به تعاونی‌های مرزنشین در دستور کار جدی استانداری قرار دارد و تلاش ما پیگیری مشکلات این قشر در سطح ملی و با همکاری نمایندگان مردم استان در مجلس شورای اسلامی است.

## دولت چهاردهم حامی تعاونی‌های مرزنشین است

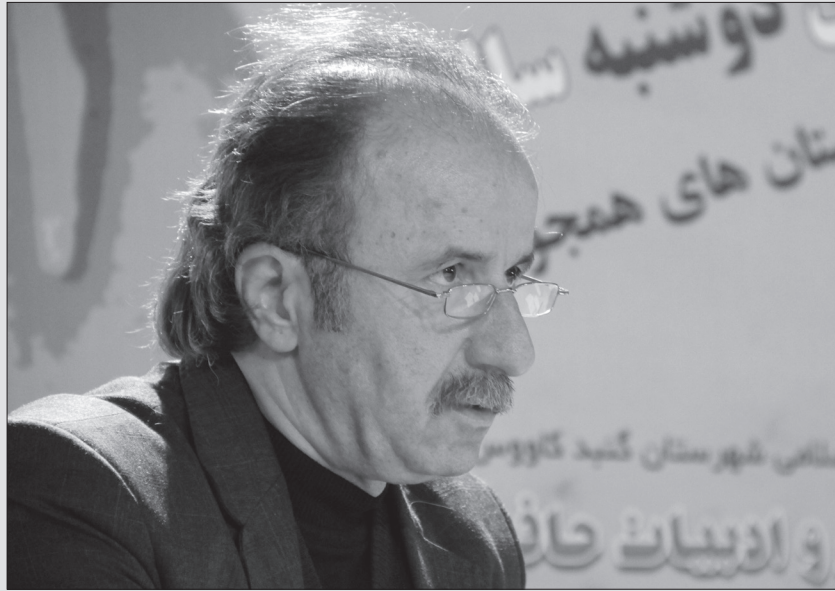
سرپرست معاونت هماهنگی امور اقتصادی استانداری گلستان از تلاش برای رونق و فعال‌سازی شرکت‌های تعاونی مرزنشین در این استان خبر داد و گفت: حمایت از تعاونی‌های مرزنشین به بهبود معیشت مردمان مناطق مرزی کمک می‌کند. به گزارش روابط عمومی، عبدالعلی کیانمهر در نشست با اعضای اتحادیه شرکت‌های





مختار رنجیده یامچی (۲۰ مرداد ۱۳۳۶ - ۸ بهمن ۱۴۰۲)

# درخت بود



سیدمهدی جلیلی

از میان موجودات هستی، بیش از همه به درخت می‌مانست، که شاخه برای پرندگان، سایه برای خستگان و میوه برای گرسنگان دارند. مهربانی محض در عین جدیت بود. چنان بود که می‌شد به او تکیه داد، درد دل کرد، راهنمایی دید، شعر خواند و شعر شنید. منظم بودن، خوش پوشی، خوش مشربیی در عین وقار و بخشندگی، او را برای دوستان دلپذیر می‌کرد. شعر و فوتبال را چنان به هم گره زده بود که نیمی از او وقف هر کدام بود. سال‌های سال و چندین نسل فوتبال و شعر مینودشت از او بالیدن گرفته بود.

تیم‌داری فوتبال و سروکار داشتن با نوجوانان و جوانان از او مریی روانشناسی ساخته بود که می‌توانست به استعدادهای جوان، انگیزه و مسیر بدهد و همین تجربه در انجمن به خوبی به کارش آمد و از او مدیر

انجمنی ساخت که در کشف، تربیت، انگیزه‌بخشی، حمایت، ترسیم افق، میدان‌بخشی، تدارکات و ... موفق باشد و از همه مهم‌تر، استمرار در این روش بود. مختار رنجیده را می‌توان، در شمار بهترین و مؤثرترین

مدیران انجمن‌های ادبی کشور دانست. چرا که در زمانی بسیار کوتاه، شهری کوچک و دور از مرکز استان و بسیار دورتر از پایتخت را به شهری شاعرپرور و مرکز رویدادهای ادبی گلستان با حضور شاعرانی از جای جای استان و گاه شاعرانی نامدار بدل کند. یکی از مهم‌ترین وجوه شخصیت او «خیر بودن به تمام معنا» بود. وقتش، تجربه‌اش، دانشش و مالش به‌تمامی در خدمت نوجوانان و جوانان بود. چه بسیار سفرهای ادبی و حضور در رویدادهای شعری استانی و برون‌استانی که با هزینه شخصی و تدارکات مناسب به لطف او برای ما و دوستان فراهم شد و تعاملات و تجربیات پربراری که از این رهگذر شکل گرفت و اندوخته شد. شعر شرق گلستان و چند نسل شاعران آن بسیار مدیون مختار رنجیده‌اند. مختاری که در سال‌های پایانی زندگی بسیار رنج کشید، اما هیچ‌گاه چهره در هم نکشید و در تمام سال‌های در کشاکش بیماری و درمان، در مجامع ادبی با شوق حاضر شد. دانه‌ای بود که خود را شکافته، برخاسته و شکفته و قد کشیده بود و ما بر شاخسار و سایه‌اش نشستیم و از میوه‌هایش بهره‌مند شدیم و هشتم بهمن ۱۴۰۲ به خاکس که از آن برآمده بود، بخشیدیم. روانش در مینوی جاودان، شاد و آرام!

همراه و هم‌ملک نبخشید اما او راه‌رهنمایی و استادی کسان بسیاری گماشت از جنس هم‌نسلان من و بسیاری شما. در طول سال‌های شاعری‌اش در بیبل، کمتر برنامه‌ای در استان برگزار شد که مختار، فرزندان ادبی خود را برنارد و به آنجا نبرد. ما نخستین حضورهای خود را در پشت تربیون‌های ادبی، به مختار مدیونیم. به‌اندازه‌ی تمام کسانی که نبودند تا در مسیر شاعری‌اش کمکش کنند، کمکمان کرد و برایمان وقت گذاشت. انجمن بیبل از سراسر استان هنرجو داشت و این آمد و شد‌ها در بیبل که به واسطه‌ی نفوذ مختار در سطح استان اتفاق می‌افتاد، نسل شعری ما را زود بالا کشید، چهارشنبه‌های مینودشت در آن اتاق کوچک پارک شهرداری و آن سالن آمفی تئاتر نمود و قدیمی‌ی ارشاد چه شور و حالی داشت. یادش بخیر! امروز یکسال از نبودن استاد پیشکسوت شعر؛ مختار رنجیده‌ی یامچی می‌گذرد و به اندازه‌ی هرنایه‌ای که گذشت، نبودنش را حس کردیم.

استعداد بزرگ او باشد و مطرح کردن این ذوق سرشار و گنجینه‌ی شعری را به دو دهه‌ی بعد موکول کرد. مختار سال‌های تنهایی‌اش در شاعری را به سال‌های شلوغ و پرتردد فعالیت ورزشی خود گره زد و جای خالی هم‌درسان شعری را با هم‌راهان فوتبالی پر کرد. از این رو فعالیت‌های ورزشی به‌ویژه ورزش فوتبال شهرستان به او خیلی مدیون است. مینودشت زیبا و کوچک، در آغاز دهه هفتاد بود که تازه توانست بیبل را داشته باشد؛ انجمنی به رسم شعر و ادب، بنا شد و شاعرانی چون مختار رنجیده‌ی یامچی، حمید عرب عامری، دکتر حسن طبسی، محمدعلی کیان‌فر، زنده‌یاد حاج اصغر قزل‌سفلو و بسیاری دیگر را گرد هم جمع کرد. بیبل، توانست مرکز شعر باشد و عشق و روزگار چه بنای زیبایی گذاشت برای کسان اندک و بسیاری که دنبال جایی بودند برای فهمیده شدن و بالابردن دانش ادبی و رشد فردی‌شان. مختار از همان سال‌های نخست راه‌اندازی بیبل، سکاتلار شد و شاگردان بسیاری پرورش داد. اگرچه زمانه به او استادی

شبه‌های دلنگ از یک عصر گرم تابستانی شروع شد. زمان گذشت و پای او را به دبستان باز کرد. پدر گوسفندی را صلقه‌ی سر طفلک دبستانی خود کرد و نوکر خانزاد رنجیده‌های یامچی، اولین بچه‌ی خانواده را از ترس خاک و گل شدن کفش و لباسش در برف و باران و باد پاییزی و زمستانی از خانه به مدرسه برد و آورد تا اینکه کم‌کم، مختار قد کشید و استخوان ترکاند و دیگر ترجیح داد روی پای خودش بایستد. طفلک دبستانی، دیگر نوجوان شده بود. زمان گذشت و او به نظر کردگی چرخ گردون، شاعری را با چینش موزون واژگانش، در کلام خود به نمایش گذاشت اما دریغ از هم‌درس و معلم و همراهی شعرشناس که گوش بسپارد به دل‌سورده‌های نه‌چنان‌به‌قاعدۀ اما دلنشین او. زمانه‌ی زمانه‌ی فهم اندک هنر بود و اندکی هنرمند. این سردی برخوردها و از درس و حساب و مدرسه دلزده کرد و شاعر جوان را به انزوا و خلوتی کشاند از جنس درک نشدن. شهر کوچک و دور از دانش و هنر آن زمان نتوانست کاشف

## بیدلی از نسل بیدلان



سیده محلثه حسینی

مختار رنجیده‌ی یامچی، ۲۰ مرداد ۱۳۳۶ در مینودشت و در یک خانواده‌ی ترک‌تبار از اهالی آذربایجان متولد شد. پدرش نامش را مختار گذاشت و قصه‌ی زندگی شاعر



نشست شاعران گرگان و مینودشت ۷۹ سال



**خودمختار**



**بهمن نشاطی**

در شهر همیشه خفته، او هشیار است  
در سینه‌اش آتشکده‌ای بیدار است  
مستعمره‌های مرکزیم اما او  
مانند ایالتی که خودمختار است

سفرم به گرگان که از نزدیک محضر شریفش را دریافتم و لطف سخن و حسن خلق و رفاقت پایدارش را دیدم در شعر خصوصاً غزل مرجع معتبری بود برای شاعران هم‌زادگاهش. خدایش بیامرزاد!

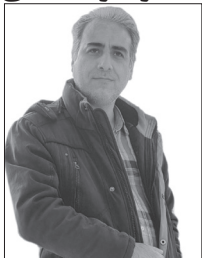
**رنج، سهم شاعرانی که نمی‌رنجند، شد**



**روح‌الله رجبی**

عاقبت دیدید جای شعرمان بی‌قند شد  
تلخ‌کامی زمانه، ارث این فرزند شد  
آنچه که رویید بر چشمم بلور اشک اشک...  
آنچه که خشکید بر روی لبم لبخند شد  
ای فلک اینک گواهم باش از کل جهان  
رنج، سهم شاعرانی که نمی‌رنجند، شد

**شاعر شعرهای بارانی**

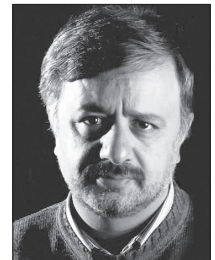


**محمد حسن زاده**

در عاشقی‌اش طفل دبستانی بود  
هر لحظه دلش به سمت ویرانی بود  
با ابر گریست و شعر نوشت  
او شاعر شعرهای بارانی بود

به آن دچار بود، این شاعر را در میانسالگی از ما گرفت، هرچند نه شعر او از خاطر می‌رود و نه تلاش‌های مداوم او برای رونق شعر و محافل شعری و برنامه‌های نقد و شعرخوانی در این شهر. سخن را با غزلی از این شاعر پرتلاش ختم می‌کنم و برای روح او آرزوی آرامش و برای شهر او آرزوی تسلی دارم در روزهایی با چنین آشفته‌حالی ما مانده‌ایم و دست‌هایی خشک و خالی ما مانده‌ایم و شعرهایی سرد و بی‌روح اینجا میان شاعران بی‌خیالی ای شاعران! ای هرچه باداباد گویان! تا کی چنین گفت و شنیدن‌های خالی؟ کو آن حقیقت‌گوی پنهان آشکارم تا وارهاوند عشق را از خشکسالی اینک بیا ای آشنا با نقش‌هایم تنها نباشد دست من بر دار قالی اینجا غریب و یکه و تاریک بی‌تو تنها منم، تنها غریب این حوالی

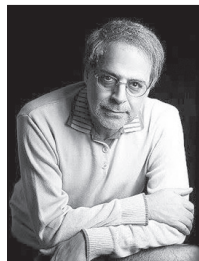
**پدر معنوی شعر مینودشت**



**محمد کاظم کاظمی، شاعر**

رفتیم و داغ ما به دل روزگار ماند  
خاکستری ز قافله‌ی اعتبار ماند  
شاعر گرانقدر، مختار رنجیده هم از رنج زیستن آسوده شد. شاعری که نام او نیز تداعی‌گر رنج‌هایی بود که در طول زندگی بر این وجود نازنین حواله شده بود، به خصوص بیماری چندین‌ساله‌ی پایان عمر. مختار رنجیده را باید از شاعران شاعرپرور دانست. از آنان که مصداق سخن سعید اند که گفت تنها گلیم خود را از آب بیرون نمی‌کشند، بلکه می‌کوشند که غریق را هم نجات دهند، و این غریق، در واقع زبان و ادبیات است، در این روزگاری که تنگناها و دشواری‌ها، هم‌چنان که بر دوش همه انسان‌هاست، بر دوش اهالی شعر و ادب بیشتر نیز سنگینی می‌کند و گاه حتی بیشتر. این بار سنگین می‌توانست هر شاعری را از ادامه‌ی مسیر منصرف کند، اما مختار رنجیده با همه دشواری‌های زندگی جنگید و با همه مضایقی که بر سر راه فعالیت‌های ادبی وجود دارد، از گردانندگان و حامیان جلسات شعر در مینودشت بود. آنچه من از اولین سفر به این شهر تا کنون به خاطر دارم، قریب به ۲۵ سال کار مداوم است، از جوانی تا میانسالگی، در کنار چند تن دیگر از شاعران پرانگیزه و پرتلاش این شهر که چراغ شعر و محافل شعری را روشن نگه داشتند و برگزارکننده‌ی رویدادهای مهم ادبی در این شهر بودند. به‌راستی مختار رنجیده را می‌شد پدر معنوی شعر مینودشت دانست. و دریغ که این بیماری فرساینده که شاعر ما سال‌ها

**رنجیده؛ خصوصاً غزل مرجع معتبری بود**



**عبدالجبار کاکانی**

خبر در گذشت شاعر فروتن و پیشکسوت مینودشتی، مختار رنجیده؛ تلخ و غم‌انگیز بود که با خاطره‌ی سفر چند سال پیشم به گرگان پیوست و بر تلخی این خبر افزود. دوردادور پیوندی دوستانه با هم داشتیم و در جریان



محدثه حسینی، عباس فرهادی، مختار رنجیده، وحید پیام‌نور در تشییع مرحوم حسین دیلم کتولی



روح‌الله رجبی، مختار رنجیده، حمید عرب عامری، ناصر حامدی



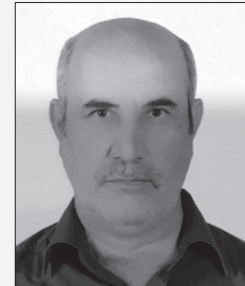
حمید عرب عامری، مختار رنجیده، سید مهدی جلیلی







### دیربستگی ترور ...



محمد کاظم نظری

حذف فیزیکی افراد و اشخاص برای اهداف مختلف امری دیرپا و دراز دامن است. در تاریخ ملل مختلف و در سرزمین‌های دور و نزدیک، حذف فیزیکی افراد

و اشخاص به مثابه راه حلی عاجل همیشه مدنظر بوده است. فراوانی این عمل به قدری زیاد است که در مقاله‌ای کوتاه در حد یادداشت‌های روزانه نمی‌گنجد. سرزمین ایران و میهن و مام وطن در روزگاران دور خود این حوادث را در سینه به یادگار نگهداشته است. شاید اولین و مهمترین حذف فیزیکی یا همان ترور در سرزمین ما مربوط است به کشتن بردیا پسر کوروش به دست کمبوجیه به سال ۵۲۳ قبل از میلاد که رویداد بعدی مدعی پادشاهی گئو ماته باشد (پادشاهی ماد- اقرار علی یف، ترجمه کامبیز میر بهاء ص ۴۲۶-۴۲۷). در ادبیات ما این ترور ها هم ثبت شده است. نظامی گنجه ای، در داستان خسرو و شیرین، ترور خسرو به دست شیرویه پسرش را چنین گزارش می‌کند. به بالین شه آمد تیغ در مشت/ جگرگاهش درید و شمع را کشت/ چنان زد بر جگرگاهش سر تیغ/ که خون بر جست از او چون آتش از میغ/ (خمسه نظامی، خسرو و شیرین، کشتن شیرویه خسرو را از بهر شیرین، ص ۳۵۰) علاوه بر ترورهای معروف در ایران که بازخوانی خواهد شد. در ادبیات و تاریخ دینی ما هم باز به ترورهایی برمی‌خوریم که رد پای ایرانیان را می‌توان در آن یافت. البته اولین ترور در میان اعراب مسلمان به ترور سعدبن عبادہ انصاری در محلی نزدیک شام به نام حوران است (نیاز به مدارک بیشتر) اولین ترور رسمی در مدینه توسط چند ایرانی که ظارین به نام‌های، فیروز (ابولولوه) هرمزان به سال ۲۴ ه ق رخ داد و در این حادثه عمر خلیفه دوم زخمی و از ترور جان سالم به‌در نبرد (تاریخ طبری جلد ۵، ص ۲۰۳۶). سه ترور دیگر، هم‌زمان در ۱۹ رمضان سال ۴۰ ه ق روی داد که یکی موفق و دو دگر ناکام ماند. ترور علی (ع) در

مسجد کوفه به ضرب شمشیر ابن ملجم (بنی‌مینی) ترور معاویه در شام بدست برک‌بن عبدالله، ترور عمرعاص در مصر بدست عمر بن بکر، این سه ترور هم‌زمان عملیات و برنامه‌ریزی آن توسط بقایای خوارج انجام شد. (تاریخ طبری جلد ۶، ص ۲۳۸) این ترورها ادامه یافت و حتی متوکل عباسی به دست پسرش کشته شد. در ایران، ترورهای سرنوشت‌ساز انجام شد که مسیر حرکت ایرانیان را تغییر داد. ترور نادر شاه در سال ۱۱۲۶ ه ق (۱۳۱۲ خورشیدی) در قوچان که ایران را وارد توتل وحشتی بزرگ کرد (زندگی پر ماجرای نادر شاه افشار- دکتر محمدحسین مینندی‌نژاد ص ۱۱۵۷). ترور آغا محمدخان قاجار در قلعه شوشی (شوشا) به سال ۱۲۱۱ ه ق. این ترور دست روس‌ها را برای تصرف حداقل یک سوم ایران باز گذاشت. ترور ناصرالدین شاه به سال ۱۲۷۵ ه ق به دست میرزا رضا کرمانی در حرم شاه عبدالعظیم که باعث فروریختن قجر شد. زنجیره فطور و دراز ترورها در ایران قطع نشد همان‌طور که در سرزمین‌های دیگر ریشه‌اش خشک نشد. ترور روزنامه‌نگاران و شاعران در عهد پهلوی اول، ترورهای بعد از شهریور ۱۳۲۰ و اشغال ایران مانند ترور سیلاحمد کسروی، نویسنده و محقق و وکیل دادگستری به‌دست فدائیان اسلام، ترور حسین فاطمی وزیر امور خارجه مصلدق به‌دست فدائیان اسلام، ترور هژبر، علاء، رزم‌آراء و حتی خود شاه ایران، ادامه روندی بود که مسبق به سابقه بود، ترور سرهنگ فرسیو و پسر خردسالش بدست مجاهدین، بمب‌گذاری رستوران محل تجمع آمریکایی‌ها، ترور کارخانه‌داران و کارآفرین توسط مجاهدین خلق (منافقین) و سازمان چریک‌های فدایی خلق، ترورهای درون سازمانی مانند ترور مجید شریف واقفی.

### اما آیا ترور مختص ما ایرانیان است؟

پاسخ خیر است. آمریکایی‌ها حداقل ۷ رئیس‌جمهورشان را ترور کردند که ترور ابراهام لینکلن به سال ۱۸۶۵ میلادی در تاتر منجر به مرگ وی شد، جان اف کندی در شیکاگو به سال ۱۹۶۳ به ضرب گلوله کشته شد. علاوه، جینز گارفیلد در بالتیمور به سال ۱۸۸۱ میلادی، ویلیام مک کینلی ۱۹۰۱ میلادی، ریگان ۱۹۸۱ میلادی، دونالد ترامپ در ۲۰۲۴ میلادی مورد ترور واقع شدند. در روسیه ترور، راسپوتین باعث فروپاشی تزاریسم شد ۱۹۱۶ ترور پادشاه عربستان، ترورهای مختلف در کشورهای اروپایی و حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ که باعث حمله آمریکا به افغانستان و عراق گردید. بعد از ۵۷ و بهم ریختگی اجتماعی و خلا قدرت، ترورهای زیادی صورت گرفت که از جمله آن‌ها می‌توان به ترور آقای خامنه‌ای (رهبر معظم) در مسجد ابوذر به تاریخ ششم تیر ۱۳۶۰ انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و کشته شدن شهید بهشتی رییس قوه قضائیه و جمعی از نمایندگان و وزار و ... گردید به تاریخ هفتم تیر ۱۳۶۰ انفجار نخست‌وزیری و شهادت رئیس‌جمهور رجایی و نخست‌وزیر با هنر و جمعی از بزرگان کشور به تاریخ هشتم شهریور ۱۳۶۰ این روش و منش به‌طریق مختلف فردی و جمعی ادامه دارد و آخرین آن ترور دو تن از بزرگان قوه قضائیه و دیوان عالی، آقایان رازینی و مقیسه‌ای بوده‌اند. داستان ترور چنان گسترده در زمان و مکان و جغرافیاست که می‌تواند مسبب چندین جلد کتاب تحقیقی و اثرگذار باشد.

فعال مدنی

# ۱۷ هزار تن سبزی و صیفی در گلخانه‌ها تولید شد

امنیت غذایی به شمار می‌رود، افزود: طبق برنامه هفتم توسعه هم برای این استان شمالی ایجاد ۲۲۰ هکتار اعم از گلخانه و محیط‌های کنترل شده برای تولید محصولات کشاورزی برنامه‌ریزی شده است. معاون باغبانی جهادکشاورزی گلستان خاطر نشان کرد: اکنون هم ۷۵ گلخانه با وسعت ۶۸ هکتار در ۱۴ شهرستان تابعه استان گلستان با مشارکت بخش خصوصی در دست اجرا است. فرهنگی یادآور شد: این مدیریت از علاقمندان به سرمایه‌گذاری در ایجاد گلخانه در استان از طریق اعطای تسهیلات بانکی با نرخ سود پایین تر از مصوب بانک مرکزی و دارای تنفس، حمایت فنی و کارشناسی حین ساخت و تولید محصولات، تشکیل کارگروه‌های تخصصی با هدف ارتقای سطح علمی و فنی گلخانه‌داران و مسوولان فنی و رازی‌نی با ادارات همکار برای حل مسایل و مشکلات پیش روی فعالان این حوزه، حمایت می‌کند. براساس گزارش مسوولان جهادکشاورزی گلستان، تولیدات محصولات گلخانه‌ای این استان به ۱۰ کشور دنیا صادر می‌شود.



معاون باغبانی جهادکشاورزی گلستان گفت: از ابتدای امسال ۱۷ هزار تن سبزی و صیفی از جمله خیار، گوجه، فلفل دلمه‌ای زنگی و سبزیجات برگی در گلخانه‌های استان تولید و روانه بازارهای مصرف داخلی و خارجی شد. به گزارش روابط عمومی، نویدرضا فرهنگی اظهار کرد: علاوه بر این در گلخانه‌های استان ۱۸ میلیون گلدان و اصله گل، گیاهان زینتی، نهال و نشاء و ۷۵۰ تن میوه شامل توت فرنگی، لیموترش، آناناس و سایر میوه‌های گرمسری، تولید شده است. وی گفت: این مقدار تولیدات محصولات کشاورزی که با فعالیت ۱۱۴ هکتار گلخانه به دست آمده نسبت به مدت مشابه سال قبل از ۱۰ درصد افزایش برخوردار است. فرهنگی ادامه داد: برنامه تولید محصولات کشاورزی گلخانه‌ای در استان تا پایان سال جاری هم ۲۲ هزار تن سبزی و صیفی، هزار تن انواع میوه و ۲۲ میلیون گلدان، اصله گل، گیاهان زینتی، نهال و نشاء است. وی در خصوص طرح‌های گسترش گلخانه تولید محصولات کشاورزی در استان که از راهبردهای جهادکشاورزی در ترمین

فرهنگی، پذیرای مردم خواهند بود و برنامه‌های متنوعی اجرا می‌شود. وی افزود: کمیته‌های ۳۶ گانه ستاد دهه فجر با برگزاری جلسات متعدد، برنامه‌های متنوعی طراحی کرده‌اند. از جمله این برنامه‌ها می‌توان به مراسم ۱۰ شب در ۱۰ مسجد شاخص گرگان اشاره کرد که با حضور سخنرانان برجسته برگزار خواهد شد. قربانی با اشاره به پیام جهانی انقلاب اسلامی گفت: امام خمینی (ره) با بازگرداندن دین به متن زندگی مردم، الگویی را پایه‌ریزی کرد که فراتر از مرزهای ایران تأثیر گذاشت. رئیس شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی گلستان در پایان از آماده‌سازی پوستر روزشمار دهه فجر خبر داد و گفت: تمام برنامه‌های کمیته‌ها به‌صورت شفاف اطلاع‌رسانی می‌شود تا مردم و مسئولان در جریان برنامه‌های این ایام قرار گیرند. امیدواریم امسال با حضور پررنگ مردم و تلاش دستگاه‌ها، شاهد برگزاری جشن‌هایی باشکوه باشیم.

هفته اجرا خواهند شد. وی ادامه داد: بخش دوم، از روز ۱۲ بهمن، هم‌زمان با سالروز ورود تاریخی حضرت امام به کشور، آغاز می‌شود. مراسم ورود نمادین امام در فرودگاه گرگان مانند سال‌های گذشته برگزار خواهد شد. این برنامه امسال که مصادف با روز جمعه است، به‌صورت ویژه‌تری اجرا می‌شود. رئیس شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی گلستان همچنین از برگزاری جشن خودرویی در روز ۱۲ بهمن خبر داد و گفت: پس از مراسم فرودگاه، جشن خودرویی از مسیر خیابان‌های گرگان تا نهارخوران برگزار خواهد شد. این برنامه به‌منظور ایجاد نشاط اجتماعی و نمایش وحدت مردم طراحی شده است. قربانی در بخش دیگری از سخنان خود به برنامه‌های ۲۲ بهمن اشاره کرد و گفت: امسال راهپیمایی ۲۲ بهمن در گرگان و سراسر شهرستان‌های استان، به‌صورت جشن خانوادگی برگزار خواهد شد. در طول مسیر، ایستگاه‌های صلواتی مردمی

با ولادت‌های مبارکی چون حضرت اباعبدالله الحسین (ع)، امام زین‌العابدین (ع)، حضرت ابوالفضل العباس (ع) و حضرت علی‌اکبر (ع)، فضای ویژه‌ای را به جشن‌های انقلاب خواهد بخشید. رئیس شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی گلستان با تأکید بر شعار امسال دهه فجر «جشن حضور تا ظهور» گفت: این شعار بیانگر استمرار مسیر انقلاب اسلامی تا تحقق وعده ظهور است. انقلاب اسلامی ایران با محوریت دین در صحنه زندگی مردم، الگویی بی‌بدیل در عرصه جهانی ایجاد کرده که امروز به نماد ایستادگی در برابر استکبار تبدیل شده است. قربانی در خصوص برنامه‌های دهه فجر، گفت: برنامه‌ها به سه بخش اصلی تقسیم شده‌اند. بخش اول، هفته استقبال از فجر است که از اوایل بهمن آغاز شده و شامل فضا سازی شاد و مناسب در سطح استان است. برنامه‌هایی همچون پیاده‌روی خانوادگی و زنگ انقلاب در مدارس در این

### گلستان آماده میزبانی از جشن‌های انقلاب اسلامی

رئیس شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی گلستان، از تقارن دهه فجر امسال با اعیاد شعبانیه به‌عنوان یک فرصت کم‌نظیر یاد کرد و گفت: شعار امسال را «جشن حضور تا ظهور» عنوان کرد. به گزارش روابط عمومی، حجت‌الاسلام محمدرزمان قربانی در قرارگاه خبری ستاد دهه فجر استان گلستان به تشریح برنامه‌های دهه فجر ۱۴۰۴ پرداخت. وی ضمن اشاره به تقارن این ایام با اعیاد شعبانیه، افزود: امسال دهه فجر، نور علی نور شده است. تقارن این ایام



## بازار گرگان جادوی رنگ‌ها و طعم‌ها

را به بازار آورده‌اند، بهره‌مند شوید. بازار گرگان محلی برای تبادل فرهنگی و اجتماعی است. مردم با یکدیگر گفت‌وگو می‌کنند، از حال و احوال یکدیگر باخبر می‌شوند و تجربیات و دانسته‌های خود را به اشتراک می‌گذارند. این بازار محلی است که هر روز قصه‌ها و روایات جدیدی خلق می‌شوند و تعاملات انسانی به بهترین شکل ممکن رقم می‌خورد. این تعاملات دوستانه و صمیمی، جوی گرم و دلپذیر را در بازار ایجاد می‌کند. بازار گرگان، فراتر از یک محل خرید و فروش، همچون یک فصل بلند از کتابی جذاب و زیباست که هر روز نوشته می‌شود. در این محل، مردم نه تنها برای تهیه نیازهای روزمره زندگی خود به آنجا می‌آیند، بلکه به نوعی باشگاه بزرگ اجتماعی تبدیل شده است که روابط انسانی را به شکل‌های گوناگون برمی‌تاباند و تقویت می‌کند. تصور کنید مردان و زنان مسن که در جلوی حجره‌ها و دکان‌های خود نشسته‌اند، با لیخدگی گرم به استقبال همسفران و گردشگران می‌روند. جوانانی که با دوستان خود در حال گفتگو هستند و هیجان و انرژی جوانی را با روایت‌های نو و تازه به بازار می‌آورند. حتی بچه‌ها که، با شور و نشاط همراه والدینشان، از هر گوشه و کناری داستان‌های تازه‌ای برای تعریف دارند. این بازار، جایی است که در آن از حال و احوال همدیگر باخبر می‌شوند، خوشی‌ها و ناخوشی‌ها را با همدیگر به اشتراک می‌گذارند. صدای خنده و شوخی‌ها، بگو و بخندهای روزمره، هر کدام نقطه‌ای از داستانیست که در هر گوشه نشسته و به تاریخ و فرهنگ این شهر پیونده خورده است. در کنار داد و ستد کالا، این مکالمات و تعاملات انسانی هستند که فضایی گرم و دلپذیر را در بازار به وجود می‌آورند. از پیرمردی که تجربیات زندگی‌اش را به جوانان منتقل می‌کند تا مادرائی که در حال پیشنهاد دادن روش‌های پخت و پز خاص خود هستند، همه و همه به این بازار جوی کوچک زنده و پویا می‌بخشند. گویی این بازار چیزی بیش از کالاها و محصولات است؛ اینجا محلی برای تبادل داستان‌ها و خاطره‌ها، مکانی برای پیوندهای عمیق انسانی است که هر روز قصه‌ها و روایات جدید خلق می‌شوند و تعاملات انسانی به بهترین شکل ممکن رقم می‌خورد. بازدید از این بازار، تجربه‌ای دلنشین و متفاوت است که هر بار به آنجا می‌روید، احساسی متفاوت و دلپذیر با خود همراه می‌آورد. بازار گرگان، گویی تابلویی زنده از تاریخ، فرهنگ و زندگی مردم این شهر است. در این بازار، رنگ‌ها، صداها و بوها با هم ترکیب می‌شوند تا تجربه‌ای بی‌نظیر و فراموش‌نشدنی برای هر بازدیدکننده به ارمغان بیاورند. در هر گوشه از این بازار، تجربیات ارزشمندی نهفته است که بوی اصالت می‌دهد و طعم مرکز علمی و صنعتی گرگان را چشیدنی می‌کند. این بازار فضایی است که هر بار به آن سر می‌زنید، چیزی نو و تازه برای شما دارد. چه برای آن کسی که به دنبال مرغوب‌ترین کالاهاست و چه برای آن که به دنبال دوستی‌ها و روابط انسانی است، این بازار همه‌ی چیزهایی که دارید یا به آنها مشتاق هستید را با تمامی رنگ‌ها و شکل‌ها در اختیاران می‌گذارد. بازار گرگان، همچنان جایگاه ارزشمند خود را در قلب سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی ایران پاس می‌دارد و با هر نفس‌مان دست به دست به ما یادآوری می‌کند که هنوز جاهایی هستند که شمیم خوش زندگی و تلاش را می‌پراکنند. برای زندگی در این مکان، هر گوشه این بازار، بخشی پررزم و راز و دلچسب است. ترکیبی از فرهنگ، خرید و فروش و روابط انسانی که همچنان شریان حیات محله قدیمی گرگان است.



عطر دل‌انگیز نان تازه پخته شده در هوا پراکنده شده و مشتریان زیادی را به سمت خود می‌کشد. نان‌وایان با لیخند و حوصله، نان‌های تازه را به مشتریان ارائه می‌دهند و این تعاملات، حس و حال دوستانه و صمیمی را در بازار ایجاد می‌کند. علاوه بر نان، شیرینی‌های محلی و خوراکی‌های خوشمزه دیگری نیز در این بخش عرضه می‌شوند که هر یک طعم و مزه‌ی خاص خود را دارند. بازار گرگان مکانی است که هنرمندان محلی محصولات دست‌ساز خود را به نمایش می‌گذارند. فرش‌های دستباف با نقش و نگارهای زیبا، گلیم‌های رنگارنگ، سفال‌های زیبا و زیورات محلی از جمله محصولات هستند که در این بخش به چشم می‌خورند. هر محصول داستانی از فرهنگ و تاریخ این منطقه را به همراه دارد و خریداران می‌توانند با خرید این محصولات، قسمتی از این داستان‌ها را به خانه ببرند. فروشندگان با افتخار محصولات خود را توضیح می‌دهند و از کیفیت و اصالت آن‌ها سخن می‌گویند. در این بازار انواع پوشاک محلی و مدرن نیز به فروش می‌رسد. لباس‌های محلی با طرح‌ها و رنگ‌های زیبا توجه هر بیننده‌ای را جلب می‌کند. فروشندگان با لیخند و حوصله به مشتریان خدمات می‌دهند و تلاش می‌کنند تا نیازهای آن‌ها را به بهترین نحو برآورده کنند. این بخش از بازار نیز مکانی است که فرهنگ‌ها و سبک‌های مختلف در کنار هم قرار می‌گیرند و تنوع فرهنگی زیبایی را به نمایش می‌گذارند. بخش لبنیات بازار گرگان نیز جذابیت خاصی دارد. انواع پنیرهای محلی، ماست، کره و دوغ با طعم‌های خاص و بی‌نظیر در این بخش یافت می‌شود. فروشندگان با مهارت خاصی محصولات خود را به مشتریان عرضه می‌کنند و از کیفیت و تازگی آن‌ها اطمینان می‌دهند. اما یکی از جذابترین قطعات این پازل سنتی، بخش فروش حیوانات و پرندگان است. مکانی که گویی نقشه‌ای از تنوع زیستی و اقتصادی منطقه را ترسیم می‌کند. در این بخش، صدای بوقلمون‌ها، آواز مرغ‌ها و خروس‌ها و آواز دلنشین پرندگان زینتی گره در گره هم خورده‌اند و شما را به دنیاهای رویایی کودکی بازمی‌گردانند. تجربه بازدید از این قسمت، نه تنها چشمان شما را به زیبایی‌های طبیعی بازمی‌کند، بلکه حس کار و تلاش دامداران و کشاورزان محلی را به زندگی روزمره شما هدیه می‌دهد. در این قسمت، گویی که در برابر تابلویی از طبیعت ایستاده‌ایم. طيور مختلفی شامل مرغ، خروس، بلدرچین و پرندگان دیگر با رنگارنگ‌ترین پرها به‌عنوان نمادی از

عطر دل‌انگیز نان تازه پخته شده در هوا پراکنده شده و مشتریان زیادی را به سمت خود می‌کشد. نان‌وایان با لیخند و حوصله، نان‌های تازه را به مشتریان ارائه می‌دهند و این تعاملات، حس و حال دوستانه و صمیمی را در بازار ایجاد می‌کند. علاوه بر نان، شیرینی‌های محلی و خوراکی‌های خوشمزه دیگری نیز در این بخش عرضه می‌شوند که هر یک طعم و مزه‌ی خاص خود را دارند. بازار گرگان مکانی است که هنرمندان محلی محصولات دست‌ساز خود را به نمایش می‌گذارند. فرش‌های دستباف با نقش و نگارهای زیبا، گلیم‌های رنگارنگ، سفال‌های زیبا و زیورات محلی از جمله محصولات هستند که در این بخش به چشم می‌خورند. هر محصول داستانی از فرهنگ و تاریخ این منطقه را به همراه دارد و خریداران می‌توانند با خرید این محصولات، قسمتی از این داستان‌ها را به خانه ببرند. فروشندگان با افتخار محصولات خود را توضیح می‌دهند و از کیفیت و اصالت آن‌ها سخن می‌گویند. در این بازار انواع پوشاک محلی و مدرن نیز به فروش می‌رسد. لباس‌های محلی با طرح‌ها و رنگ‌های زیبا توجه هر بیننده‌ای را جلب می‌کند. فروشندگان با لیخند و حوصله به مشتریان خدمات می‌دهند و تلاش می‌کنند تا نیازهای آن‌ها را به بهترین نحو برآورده کنند. این بخش از بازار نیز مکانی است که فرهنگ‌ها و سبک‌های مختلف در کنار هم قرار می‌گیرند و تنوع فرهنگی زیبایی را به نمایش می‌گذارند. بخش لبنیات بازار گرگان نیز جذابیت خاصی دارد. انواع پنیرهای محلی، ماست، کره و دوغ با طعم‌های خاص و بی‌نظیر در این بخش یافت می‌شود. فروشندگان با مهارت خاصی محصولات خود را به مشتریان عرضه می‌کنند و از کیفیت و تازگی آن‌ها اطمینان می‌دهند. اما یکی از جذابترین قطعات این پازل سنتی، بخش فروش حیوانات و پرندگان است. مکانی که گویی نقشه‌ای از تنوع زیستی و اقتصادی منطقه را ترسیم می‌کند. در این بخش، صدای بوقلمون‌ها، آواز مرغ‌ها و خروس‌ها و آواز دلنشین پرندگان زینتی گره در گره هم خورده‌اند و شما را به دنیاهای رویایی کودکی بازمی‌گردانند. تجربه بازدید از این قسمت، نه تنها چشمان شما را به زیبایی‌های طبیعی بازمی‌کند، بلکه حس کار و تلاش دامداران و کشاورزان محلی را به زندگی روزمره شما هدیه می‌دهد. در این قسمت، گویی که در برابر تابلویی از طبیعت ایستاده‌ایم. طيور مختلفی شامل مرغ، خروس، بلدرچین و پرندگان دیگر با رنگارنگ‌ترین پرها به‌عنوان نمادی از

در دل کوچه پس‌کوچه‌های شهر قدیمی گرگان، جایی که نفس تاریخ از هر دیوار بر می‌خیزد و زندگی مردمانش با گذشته‌های سرشار از سنت و فرهنگ گره خورده است، بازار روزی قرار دارد که هر صبح، نقطه‌ای از این تاریخ را زنده می‌کند و مثل قلبی تپنده، مردم از هر گوشه و کنار برای خرید و فروش، دیدار دوستان و آشنایان و حتی تجربه فرهنگ محلی به آن روی می‌آورند. به گزارش ایرنا، ورود به این بازار شما را به دوره‌ای دور برده و دل‌ها را با عطر و بوی محصولاتی که همیشه با خود هویتی از منطقه دارند، پر می‌کند. بوی نان تازه و ادویه‌های محلی، ماهی دریایی، سبزی تازه و موسیقی حیات بخش صدای پرندگان و حیوانات، همه و همه نشانی از زندگی ساده و زیبایی دارند که همچنان با گذر زمان، پویایی خود را حفظ کرده است. بازار روز گرگان، نه تنها محلی برای خرید و فروش است، بلکه مکانی برای گذراندن لحظاتی شیرین و به یادماندنی با خانواده و دوستان، و یادآوری سنت‌ها و میراث این شهر قدیمی است. در دل بافت تاریخی گرگان، بازار هزار رنگش همانند قلبی که در اندام‌های قدیمی شهر تپیده و می‌تپید، به یادگار مانده است. جادوی این بازار که از چندین قرن پیش، آینه‌ای از زندگی و معیشت مردمانش بوده در هر گوشه و کنارش نمود پیدا می‌کند. با هر قدمی که در راهروهای تودرتوی این بازار قدیمی برداشته می‌شود، داستان‌هایی از نسل‌های گذشته تاکنون به گوش می‌رسد. بازار روز و قدیمی گرگان در این روزهای سرد، جنب‌وجوش خاصی دارد. فروشندگان با شور و حرارت، اجناس خود را عرضه می‌کنند و مشتریان با شتاب به دنبال خرید مایحتاج زمستانی خود هستند. بوی گرم و مطبوع شیرینی‌های محلی و ادویه‌های معطر، فضای بازار را پر کرده است. گرگان با بازاری قدیمی نمادی است از جنب و جوش و حیات مردم این منطقه. این بازار که در بافت تاریخی شهر قرار دارد، نه تنها مکانی برای خرید و فروش است، بلکه نمایشگاه زنده‌ای از تنوع فرهنگی و تاریخ کهن این سرزمین به شمار می‌رود. هر گوشه‌ای از این بازار، داستانی دارد که به روایت گذشته‌های دور می‌پردازد و روزگاری از تلاش و همبستگی مردمان این دیار را زنده می‌کند. از لحظه‌ای که قدم به داخل بازار می‌گذارید، با شلوغی و هیاهوی بی‌پایان مواجه می‌شوید. صدای گفتگوها با لهجه‌های مختلف مردم با لباس‌های محلی متنوع، حس و حال خاصی به بازار می‌بخشند. در هر گوشه‌ای از بازار، افراد با شور و اشتیاق در حال خرید و فروش هستند و این فضای پرچرب و جوش، انرژی خاصی را منتقل می‌کند. در یک سمت بازار، کشاورزان و باغداران محصولات تازه و دست‌چین شده‌شان را عرضه می‌کنند. سبزیجات تازه، میوه‌های خوش‌عطر و رنگارنگ، چشم هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کنند. مردی با فرغونی پر از سبزی‌های تازه، محصولات خود را با شور و شوق به فروش می‌رساند. این تصویر، نمادی از همبستگی و همکاری مردم است که با تلاش و زحمت، محصولات خود را به دست مشتریان می‌رسانند. بوی تازه‌ی سبزیجات هوا را پر کرده و هر رهگذری را به سوی خود می‌کشد. در بخش دیگری از بازار، پیرمرد ترکمن ماهی‌فروش با محصولات دریایی تازه و متنوع به چشم می‌خورد. فروشنده با دقت این محصولات را به فروش می‌رساند و مشتریان نیز با علاقه خاصی این محصولات را خریداری می‌کنند. بوی خوش ماهی‌های تازه و صدای چانه‌زنی مردم، حس و حال خاصی به این بخش از بازار می‌بخشد. در گوشه‌ای از این بازار، نان‌وایان محلی مشغول پخت نان‌های داغ و خوشمزه هستند.